



فصلنامه علمی دانشگاه الزهراء (س) زمینه انتشار: هنر

سال ۱۶، شماره ۱، بهار ۱۴۰۳

مقاله پژوهشی، ۸۲-۶۷

<http://jjh.jor.alzahra.ac.ir>

ارایه یک تعریف شبکه‌ای از صنایع دستی^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۴/۱۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۲۵

ناهید رحمانپور^۲

مهدی کشاورز افشار^۳

سپهر قاضی نوری^۴

چکیده

تغییرات بنیادین در شیوه‌های ارتباطی و محیط‌های کسب و کار در پی تحولات فناورانه عصر حاضر صنایع دستی را با چالش‌های جدیدی در عرصه طراحی، تولید و عرضه مواجهه ساخته است. تعاریف و رویکردهای مرسوم صنایع دستی اغلب بر هستی و چیستی تمرکز دارند و با وجود توجه به جنبه‌های نوآوری، اقتصادی و کارآفرینی پایدار در مباحثی چون اقتصاد خلاق، صنایع خلاق و توسعه پایدار، هم‌چنان توجه به رویکردهایی هم‌راستا با تحولات و روح زمانه لازم و ضروری می‌باشد. رویکرد شبکه‌ای صنایع دستی بر اساس نظریه کنشگر شبکه برون‌لاتور با در نظر گرفتن کنش تمامی کنشگران انسانی و غیر انسانی در شبکه‌ای متحد از کنشگران، در پی دستیابی به رویکرد کاربردی است؛ تا بتوان در اخذ استراتژی‌هایی به منظور بهره‌گیری از مزایا و مقابله با تهدیدهای تحولات فناورانه در راستای حفظ، بهبود و ارتقای صنایع دستی به کار برد. در راستای رسیدن به تعریفی جامع از رویکرد شبکه‌ای صنایع دستی بر اساس اجماع نظر ۱۲ خبره، ابتدا، دو پرسش‌نامه در طیف پنج تایی لیکرت تنظیم گردید. نتایج حاصل از پرسش‌نامه اول، نشان از آن دارد که عاملیت هنرمند صنعت‌گر و تاثیر ابزارها و فناوری‌های نوین در فرایند طراحی و تولید صنایع دستی بیش‌ترین اجماع نظر را در گزینه بسیار زیاد دارد؛ هم‌چنین، به جهت تدوین استراتژی‌های آینده‌نگرانه بر اهمیت رویکرد شبکه‌ای در گزینه بسیار زیاد اجماع نظر دیده می‌شود.

1-DOI: 10.22051/JJH.2023.44307.2007

این مقاله برگرفته از رساله دکتری ناهید رحمانپور با عنوان: "آینده پژوهی مدیریت طراحی و تولید صنایع دستی در انقلاب چهارم صنعتی" است.

۲- ناهید رحمانپور، دانشجوی دکتری پژوهش و تاریخ هنر، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

n.rahmanpour@modares.ac.ir

۳- مهدی کشاورز افشار، استادیار گروه پژوهش و تاریخ هنر، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران، نویسنده مسئول

m.afshar@modares.ac.ir

۴- سپهر قاضی نوری، استاد گروه مدیریت فناوری اطلاعات، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

ghazinoory@modares.ac.ir

طبق نتایج حاصل از پرسش نامه دوم، سه کنشگر هنرمند صنعت گر، دانش و مهارت تخصصی و عوامل اقتصادی بالاترین میزان عاملیت را از نظر خبرگان دارا می باشند. در انتها، تعریف رویکرد شبکه ای صنایع دستی ارایه شده از سوی پژوهشگران در سه دور به قضاوت خبرگان گذاشته شد و پس از اجماع و اشباع نظر خبرگان، تعریف شبکه ای صنایع دستی، مدل مفهومی آن و پیشنهاداتی در خصوص کاربرد آن در عرصه های عملی و پژوهشی صنایع دستی ارایه گردید.

واژه های کلیدی: نظریه کنشگر- شبکه، برونولاتور، رویکرد شبکه ای صنایع دستی، تعاریف صنایع دستی، کنشگران صنایع دستی.

مقدمه

در طول تاریخ با اورشد یافته و دچار تغییر و تحول شده است؛ از این رو، صنایع دستی را می توان زنده ترین و دیرپاترین صنعت جهان نامید که هرگز از بین نمی رود؛ بلکه در پیوند با تغییرات زمانی و مکانی هم چون خود انسان متحول می گردد. پیش از صنعتی شدن جوامع تمامی نیازهای بشری توسط دست و ابزارهای دستی ساخته می شد که طیف گسترده ای از وسایل کاربردی، هنری کاربردی و تزیینی را شامل می شدند. در طول تاریخ، هنر و فناوری به تدریج از هم جدا شده اند. هنر، کنشی برای پاسخ به نیازهای روحی و زیباشناختی و فناوری برای انجام کارهای معین که قابلیت عمل و کاربرد دارد، در نظر گرفته شد (Tao, 2022: 120).

اصطلاح صنایع دستی نیز در تقابل با صنایع ماشینی در پی تحولات انقلاب صنعتی پدید می آید که می توان آغاز این تقابل را در بیانیه های جنبش هنرها و صنایع دستی در اواسط سده ۱۹ میلادی دانست.

ظهور پرشتاب تحولات فناورانه و تاثیرات آن، عاملیت انسان در دیدگاه های معتقد به دوگانگی سوژه/ابژه را مورد تردید قرار داده و سبب ظهور نظریه هایی در مطالعات جامعه شناسی علم و فناوری شده که برخی، انسان را مختار دانسته و فناوری را ابزاری در دست او می دانند و برخی دیگر، برای فناوری ذاتی خودمختار قایل می شوند که بر معادلات اجتماعی، فرهنگی و سیاسی اثر می گذارد. در این میان، نظریه هایی در دنیای معاصر شکل می گیرد که ویژگی خودمختاری از انسان و فناوری را سلب می کند و کنش و یا

صنایع دستی به عنوان یک هنر-صنعت و شاخه مهمی از صنایع فرهنگی ریشه های عمیقی در ساختار فرهنگی هر ملتی دارد. محصولات و آثار صنایع دستی علاوه بر کارکردهای فیزیکی، در بافت فرهنگی و بومی خود حافظ فرهنگ و پدیدآورنده سبک زندگی بوده و در روابط بین ملت ها در مقام سفیران فرهنگی قادر به ایجاد فضایی گفتمان فرهنگی می باشند. در طول تاریخ، صنایع دستی در رویارویی با تحولات حاصل از انقلاب های صنعتی دچار چالش های گوناگونی شده است که سبب شد برخی صنایع به دست فراموشی سپرده شوند و گروهی از صنایع در رقابت با کالاهای ماشینی کم توان به حیات خود ادامه دهند. با این وجود بخشی از هنرها و صنایع دستی با بهره گیری از مزایای تحولات صنعتی روش های تولیدی خود را بهبود بخشیده و هم چنین، شاخه های از صنایع دستی در پی این تحولات به وجود آمدند. امروزه، دگرگونی های ناشی از انقلاب های صنعتی چهارم و پنجم تغییرات بنیادینی در شیوه های ارتباطی و تعاملی به وجود آورده است، هم چنین، ظهور جهان های مجازی به موازات جهان فیزیکی، ظهور فناوری های نوین و گسترش کاربران و بازارهای هدف در سطح جهانی، صنایع دستی را با چالش های جدیدی روبه رو ساخته که نیاز به بازنگری مفاهیم چيستی و هستی شناسی صنایع دستی و اخذ رویکردهایی متناسب با روح زمانه را به منظور مقابله با تهدیدها و بهره گیری از فرصت های آینده لازم و ضروری می سازد. صنایع دستی به دلیل هم بسته بودن با انسان و سبک زندگی او،

محصول نهایی را نتیجه پیوند عامل های انسانی و غیر انسانی در یک شبکه می داند که مهم ترین نماینده این رویکرد نظریه کنشگر-شبکه^۱ می باشد که نظریه ای اجتماعی و میان رشته ای است و در حوزه جامعه شناسی علم و فناوری بر رابطه متقابل فناوری و جامعه تاکید داشته و ریشه های عمیقی در ساختارگرایی و پساساختارگرایی دارد (انواری و کرم اللهی، ۱۳۹۷: ۲۵). با این وجود، این نظریه تنها به حوزه علم و فناوری اختصاص ندارد و یک روش کار و هستی شناسی عام است که در حوزه های مختلف علم و هنر کاربرد دارد (شریف زاده، ۱۳۹۷: ۱۵)؛ و برای پیاده سازی نقش فناوری ها در پژوهش های طراحی محور مناسب می باشد (Kumar& Tissenbaum, 2022: 1556). در مقاله حاضر سعی بر آن است بر پایه نظریه کنشگر-شبکه ابتدا، آشنایی مان را از ساختارهای مفروض به تعلیق در آورده و سپس، از کنشگران و کنش آن ها آغاز نموده و در ادامه، با بررسی رابطه کنشگران و مذاکرات صورت گرفته بین آن ها دریافت که چگونه کنشگران انسانی و غیر انسانی با هم شبکه ای می سازند و در نهایت، محصول نهایی که در نظریه کنشگر-شبکه جعبه سیاه نام دارد، بر ساخته می شود. بنابراین، پژوهش حاضر در پی تبیین رویکرد

شبکه ای صنایع دستی به دنبال پاسخ به این پرسش است که، بر اساس نظریه کنشگر شبکه چگونه می توان رویکرد شبکه ای صنایع دستی را تبیین نمود و چه راهکارهایی جهت کاربرد آن در حوزه های عملی و پژوهشی صنایع دستی مناسب است.

روش پژوهش

روش دلفی عموماً برای رسیدن اجماع نظر بین گروهی از متخصصان یک حوزه مطالعاتی خاص در خصوص موضوعی مشخص به کار گرفته می شود؛ اما در برخی از پژوهش ها با توجه به ماهیت پژوهش جهت تولید ایده ها و نظرات جدید پیرامون مسایل تازه و به منظور تقویت آن ها از طریق هم افزایی نظر خبرگان استفاده می شود. در پژوهش حاضر با توجه به موضوع، یعنی رسیدن به تعریفی از رویکرد شبکه ای صنایع دستی -که نیاز آن در پی تحولات عصر حاضر به ویژه تحولات فناورانه احساس گردید- ۱۲ متخصص از میان ۳۵ خبره طبق جدول ۱ با شرایط تخصص در حوزه صنایع دستی و آگاهی از تحولات فناورانه تاثیرگذار بر صنایع دستی و هم چنین، تمایل و اشتیاق به همکاری و استمرار در آن انتخاب گردیدند. فرایند پژوهش بر اساس چهار اصل دلفی: ناشناس بودن شرکت کنندگان

جدول ۱. فهرست مشخصات خبرگان پژوهش (نگارندگان).

ردیف	میزان تحصیلات	رشته تحصیلی	نوع فعالیت	سابقه کار
۱	دکتری تخصصی	پژوهش هنر احفاظات میراث فرهنگی	عضو هیات علمی	۲۰ سال
۲	کارشناسی ارشد	صنایع دستی / نقاشی	طراحی، ساخت، آموزش سرامیک	۲۲ سال
۳	دکتری تخصصی	کارآفرینی	عضو هیات علمی	۲۰ سال
۴	دکتری تخصصی	پژوهش هنر	عضو هیات علمی / شیشه قیونینگ	۱۵ سال
۵	کارشناسی ارشد	هنرهای سنتی	عضو هیات علمی	۲۵ سال
۶	کارشناسی	صنایع دستی	طراحی، تولید، آموزش	۳۰ سال
۷	کارشناسی ارشد	طراحی صنعتی	عضو هیات علمی / طراح میلان	۱۷ سال
۸	دانشگر آینده پژوهی	مدیریت کسب و کار / آینده پژوهی	پژوهشگر صنایع دستی	۴ سال
۹	کارشناسی ارشد	صنایع دستی	گالری دار	۵ سال
۱۰	کارشناسی ارشد	صنایع دستی	مدرس / سرامیک	۱۷ سال
۱۱	دکتری تخصصی	پوهش هنر	عضو هیات علمی / هنر شیشه	۱۷ سال
۱۲	کارشناسی ارشد	هنر اسلامی	هنرهای چوبی	۱۸ سال

دلفی، که منجر به بیان آزادانه نظرات می‌شود؛ تکرار که شرایط اصلاح نظرات را فراهم می‌سازد، باز خورد که امکان آگاه شدن شرکت‌کنندگان از نظر یک دیگر را فراهم ساخته و فرصت بررسی موضوع از زوایای مختلف و اصلاح را به شرکت‌کنندگان می‌دهد و تحلیل آماری و توصیفی پاسخ‌گروه خبرگان که رسیدن به اجماع نظرات و ارایه نتایج پژوهش را میسر می‌سازد، انجام می‌شود.

پیشینه پژوهش

برونو لاتور، فیلسوف و مردم‌شناس علم فرانسوی که سهم به‌سزایی در پروراندن نظریه کنشگر-شبکه داشته است در برخی از مقالات و کتاب‌های خود مبانی نظری آن را ارایه داده است که از آن جمله می‌توان به کتاب «امید پاندورا» (۱۹۹۹) و «بازتتشکیل امر اجتماعی» (۲۰۰۵) اشاره کرد. هم‌چنین، شریف زاده (۱۳۹۷)، در کتاب «مذاکره با اشیای برونو لاتور و نظریه کنشگر-شبکه» به تحلیل و بازسازی دیدگاه‌های لاتور و نظریه کنشگر-شبکه پرداخته است. در حوزه صنایع دستی، ونجیالی، زیوی لی و هوا ییجون کو (۲۰۲۲)، در مقاله «طراحی برای کاهش فقر و احیای صنایع دستی در روستاهای چین از منظر کنشگر-شبکه» به بررسی مسیر طراحی پایدار و مشارکتی از طریق شناخت بازیگران شبکه صنایع دستی روستایی به منظور نوآوری در صنایع دستی روستایی و کاهش فقر می‌پردازند. صدیقی و جمال (۲۰۲۲)، در مقاله «روابط متقابل صنایع دستی نساجی اجدادی و کارخانه‌های بافندگی بومی در استان یزد» با استفاده از نظریه کنشگر-شبکه شبکه‌ای از کنشگران و روابط متقابل بین میراث ملموس (معماری بومی) با میراث ناملموس (فن بافندگی) را ردیابی می‌کنند. لیو و هووانگ (۲۰۲۱)، در مقاله «کاربرد نظریه کنشگر-شبکه به منظور کاوش درباره انتقال و نوآوری صنعت فرهنگی بومی حصیربافی در یوان-لی» ارتباط بین انجمن صنایع دستی یوان-لی تایوان با سالن نمایشگاه مثلث شهر یوان-لی را مورد مطالعه قرار داده و از طریق مفهوم نقطه گذر اجباری در فرایند ترجمه، ویژگی‌ها، جهت‌گیری‌ها و مدل‌های تجاری متمایز این دو سازمان را در جهت احیا و نوآوری

صنایع دستی حصیربافی بررسی کرده‌اند. در مجموع با توجه به بررسی پیشینه می‌توان نوآوری پژوهش حاضر را در آن دانست که تاکنون، تعریف شبکه‌ای از صنایع دستی در بستر نظریه کنشگر-شبکه ارایه نشده است و در پژوهش‌های پیشین از کنشگر-شبکه به عنوان چارچوب نظری و به منظور تجزیه و تحلیل و خوانش داده‌ها در خصوص یک شاخه از صنایع دستی استفاده شده است. در صورتی که در پژوهش پیش رو، به هدف ارایه یک تعریف شبکه‌ای از کلیت صنایع دستی از آموزه‌های نظریه کنشگر-شبکه بهره برده و تجزیه و تحلیل داده‌ها به منظور دست‌یابی به تعریف مذکور از طریق اجماع نظر خبرگان به روش دلفی صورت گرفته است.

مبانی نظری

نظریه کنشگر-شبکه

نظریه کنشگر-شبکه با نام برونو لاتور، فیلسوف، مردم‌شناس و جامعه‌شناس علوم فرانسوی شناخته می‌شود. با این وجود میشل کالون و جان لاونیز در ارایه این نظریه سهیم می‌باشند. لاتور معتقد است توانایی موجودات انسانی در تشکیل شبکه‌های اجتماعی صرفاً به سبب تعامل آن‌ها با عوامل هم‌نوع نیست، بلکه عوامل غیر انسانی نیز در آن دخیل می‌باشند (Latour, 2005: 34). سلطه انسان بر غیر انسان یا به عکس، نتیجه طبیعی تقابل میان آن‌هاست. وقتی که میان انسان و غیر انسان تقابلی ذاتی قایل شویم، آن-گاه برای تبیین رفتار آن‌ها ناچار خواهیم بود به یکی قدرت بیش‌تری دهیم. چرا که تقابل میان دو چیز اجازه نمی‌دهد که هر دو وضعیت و جایگاه هستی‌شناختی یک‌سان و برابری داشته باشند (شریف‌زاده و مقدم حیدری، ۱۳۹۴: ۳۰). از نظر او پیوندی وجود ندارد که صرفاً انسانی (اجتماعی) و یا کاملاً غیر انسانی (فنی) باشد. از این رو، لاتور از واژه اجتماعی-فنی^۲ استفاده می‌کند. این نظریه قادر به تحلیل ابعاد اجتماعی و فنی به طور هم‌زمان است (بنی‌طالبی دهکردی، رهنمای رودپشتی و نیکومرام، ۱۳۹۴: ۱۲۱). به دلیل ماهیت روش‌شناسی عام و هستی‌شناسی و هم‌چنین، ویژگی میان‌رشته‌ای، نظریه کنشگر-شبکه قابل تعمیم به شاخه‌های

مختلف علوم، هنر، تکنولوژی، مطالعات اجتماعی و کلیه حوزه‌های تخصصی می‌باشد و برای پیاده سازی نقش فناوری‌ها در پژوهش‌های طراحی محور مناسب می‌باشد (Kumar & Tissenbaum, 2022: 1556)؛ و هم‌چنین، یک ابزار منعطف برای داستان‌سرایی درباره شکل‌گیری و یا از هم‌گسستن رابطه‌ها می‌باشد (Conti & Farsari, 2022: 7). بر اساس پیش‌فرض نظریه کنشگر-شبکه لازم است تا بازیگر محوری، فرآیند حل مساله را با شروع مذاکره با سایر بازیگران آغاز نموده و یک یا چند بازیگر به‌عنوان کنشگر کانونی اقدام‌های ضروری را صورت بخشند (روشن‌دل اربطانی، لبافی و شه‌میرزادی، ۱۴۰۰: ۱۲۷). نظریه کنشگر-شبکه ترکیبی از جامعه-طبیعت را مطرح می‌کند (Nimmo, 2011: 109)؛ و برای مطالعه و بررسی نقش‌های ایفا شده توسط علم و فناوری در ساختارها و روابط قدرت (80: Liao et al, 2019) مناسب می‌باشد. این نظریه بر سه مفهوم اصلی کنشگر، شبکه و جعبه سیاه شکل گرفته است که در ادامه، ضمن معرفی هر یک صنایع دستی در این بستر خوانش می‌شود:

کنشگر^۳: در نظریه کنشگر-شبکه هر موجودی (انسان و غیر انسان)، که دارای کنش باشد و کنش آن تغییری در شبکه ایجاد کند، کنشگر محسوب می‌شود. در این شبکه کنش انسان به صرف انسان بودنش وزن بیش‌تری ندارد و محصول نهایی فقط به‌دست انسان ساخته نمی‌شود، بلکه انسان با غیر انسان‌ها در طی مذاکرات پیوندی را شکل می‌دهند و این فرآیند با ترجمه آغاز می‌شود. لاتور ترجمه را امری ذهنی و یا زبانی نمی‌داند، بلکه امری مربوط به مهارت قلمداد می‌کند (Latour, 1993: 81). در نظریه کنشگر-شبکه کنشگران به دو دسته تقسیم می‌شوند: واردکننده، که آغازکننده پیوند بوده و کار ترجمه را انجام می‌دهد و وارد شده، که توسط واردکننده به پیوند و شبکه وارد می‌شود. شرط ایجاد پیوند آن است که، واردکننده علایق و اهداف وارد شده‌ها را به هدف خود ترجمه کند (شریف‌زاده، ۱۳۹۷: ۸۷). زیرفرآیند ترجمه در نظریه کنشگر-شبکه شامل مساله‌سازی، علاقمندسازی، عضوگیری و بسیج منابع و امکانات است (Rivera & Cox, 2016: 352).

شبکه^۴: نظریه کنشگر-شبکه با رد دوگانه عاملیت /

ساختار، کنشگر / شبکه را جای‌گزین آن می‌کند و شبکه را امری اجتماعی-فنی^۵ قلمداد می‌کند. لاتور واژه‌های جمعی و پیوند را نسبت به واژه جامعه ارجح می‌داند (Latour, 2005: 14). از این‌رو، رابطه شبکه و کنشگر یک رابطه عامل و ساختار نبوده و شبکه، کنشگران را دربر نمی‌گیرد. کنشگر انسان یا غیر انسانی است که کار یا کنشی دارد (Ibid, 2013: 247)؛ و دوام هر شبکه به دوام پیوندهای ساخته شده بستگی دارد، بدین ترتیب، قدرت پیوندها و قدرت عاملیت، شبکه را نیز قوی می‌کند (مهدی‌زاده و توکل، ۱۳۸۶: ۱۱۵).

جعبه سیاه^۶: از مفاهیم کلیدی در نظریه کنشگر شبکه می‌توان به واژه جعبه سیاه اشاره کرد که محصول نهایی یک پیوند مستحکم می‌باشد، و محصول مسیر پر مناقشه‌ای از مذاکرات، وساطت‌ها و ترجمه‌ها می‌باشد. جعبه سیاه‌ها اگرچه دارای ساختار درونی پیچیده‌ای می‌باشند، اما هم‌چون یک کل واحد با ظاهری ساده و عملکردی عادی ظاهر می‌شوند (شریف‌زاده، ۱۳۹۷: ۱۱۴-۱۱۵). بررسی هر شبکه در بستر نظریه کنشگر-شبکه نیازمند آن است تا از نقطه شروع پیوند تا جعبه سیاه، کنشگران و کنش آن‌ها و فرآیند مذاکرات و توافقات صورت گرفته درون شبکه مورد بررسی قرار گیرد. صنایع دستی تاریخ پر فراز و نشیبی از پیوندها و مذاکرات را پشت سر نهاده است؛ و ورود هر کنشگر جدید به شبکه و ایجاد یک پیوند جدید باعث تغییر و یا باز تعریف پیوند قبلی شده است. پیش از خوانش صنایع دستی در این بستر به دلیل نقش اساسی ابزارها در فرایند تولید محصولات صنایع دستی لازم است دو مفهوم «وسیله» و «واسطه» در نظریه کنشگر-شبکه تبیین شود. چرا که «لاتور بر اساس مفهوم چندرگه بودن مصنوعات و هم‌چنین، مفهوم وساطت از دوگانگی تکنولوژی خودمختار و تکنولوژی به مثابه وسیله خارج می‌شود» (همان: ۱۷۴). وسیله موجودی می‌باشد که چیزی را بدون تغییر انتقال می‌دهد؛ در صورتی که، واسطه در فرایند انتقال چیزی از خود به جای می‌گذارد و آن را تغییر می‌دهد. بر این اساس هر کنشگر داخل شبکه (انسان، طبیعت، مصنوعات) واسطه محسوب می‌شود. لاتور معتقد است «هر چیزی از طریق واسطه

ها، ترجمه‌ها و شبکه‌ها اتفاق می‌افتد» (هاشمیان و انواری، ۱۳۹۷: ۴۶). از این رو، برای بررسی، نقد، برنامه‌ریزی و آینده‌نگری در هر حوزه‌ای نخست نیازمند شناخت دقیق از شبکه، عاملیت‌ها، مذاکرات و ترجمه‌های صورت گرفته درون شبکه می‌باشیم.

تعاریف مرسوم صنایع دستی

به منظور تبیین ویژگی‌های صنایع دستی در تقابل با دیگر صنایع از سوی جنبش‌ها، نهادها و سازمان‌ها تعاریف گوناگونی ارائه گردیده که دارای مشترکات زیادی می‌باشند. در گزارش ارائه شده در سمپوزیوم بین‌المللی صنایع دستی مانیل فلیپین (۱۹۹۷)، صنایع دستی محصولاتی را شامل می‌شود که توسط صنعتگران، به طور کامل دستی و یا با کمک ابزار دستی یا حتی مکانیکی تولید می‌شوند؛ تاجایی که مشارکت مستقیم دستی صنعتگر، عمده‌ترین جزء محصول نهایی باقی بماند. ماهیت خاص محصولات صنایع دستی از ویژگی‌های متمایز آن‌ها نشأت می‌گیرد که می‌تواند سودمندی، زیبایی‌شناختی، هنری، خلاقانه، فرهنگی، تزئینی، کاربردی، سنتی، مذهبی و اجتماعی نمادین و معنادار باشد. یاوری و نورماه (۱۳۸۴)، در کتاب «نگرشی بر تحولات صنایع دستی در جهان» تعریف پیشنهاد شده از سوی جمعی از کارشناسان سازمان صنایع دستی ارائه نموده‌اند. در این تعریف صنایع دستی به مجموعه‌ای از «هنر-صنعت»‌ها اطلاق می‌شود که به طور عمده، با استفاده از مواد اولیه بومی و انجام قسمتی از مراحل اساسی تولید به کمک دست و ابزار دستی موجب تهیه و ساخت محصولاتی می‌شود که در هر واحد آن ذوق هنری و خلاقیت فکری صنعتگر سازنده به نحوی تجلی یافته و همین عامل وجه تمایز اصلی این گونه محصولات از مصنوعات مشابه ماشینی و کارخانه‌ای است. در تعریف شورای عالی برنامه‌ریزی وزارت فرهنگ و آموزش عالی در مقدمه سر فصل دروس رشته صنایع دستی مورخ ۱۳۶۶/۹/۷ این‌گونه آمده است: صنایع دستی ایران با پیشینه طولانی، غنی و ارزشمند خود تجلی‌گاه «هنر» هنرمندان اکثراً بی‌نام و نشان در وسایل زندگی روزمره عامه مردم و مایه انس و الفت آنان با «هنر» است. این صنایع با حفظ استقلال و خودکفایی در ابزار و مواد و مصالح

و شیوه‌های ساخت، نه تنها در رفع حوائج زندگی مادی مردم، بلکه در اعتلای فرهنگی نیز نقش عمده‌ای ایفا نموده و می‌نمایند. تقدس نژاد و شفیعاً (۱۴۰۲)، در «گزارش راهبردی در بررسی وضعیت صنایع دستی و آسیب‌شناسی آن» به چند تعریف از صنایع دستی اشاره می‌کنند؛ که از جمله می‌توان به تعریف فرهنگستان هنر در سال ۱۳۸۲ اشاره کرد که واژه «هنرهای صناعی» را گویاتر و کامل‌تر از واژه «صنایع دستی» دانست و هنرهای صناعی را به عنوان زیرمجموعه مهمی از هنرهای سنتی تعریف کرده است. طبق تعریف فرهنگستان، هنرهای سنتی با منشا گرفتن از مبدا واحد، محمل سیر و سلوکی فردی است که از طریق دریافت شهودی بر مبنای آدابی معنوی و به شیوه استاد-شاگردی انتقال می‌یابد و صورتی از تجلیات گوناگون زیبایی حقیقی را متناسب با شرایط زمانی و مکانی در اثر هنری متعین می‌سازد. لاکمن (۱۳۹۸)، در کتاب «صنایع دستی و اقتصاد خلاق» صنایع دستی را از منظر اقتصاد خلاق تبیین نموده و عنوان می‌کند، صنایع خلاق که صنایع دستی زیرمجموعه آن محسوب می‌شود، بخش‌های از اقتصاد هستند که موضوع اصلی‌شان خلق مالکیت معنوی، یا همان تولید کالاها و خدمات زیبایی‌شناختی و یا نمادین است. در مقدمه گزارش سالانه بازار جهانی صنایع دستی ۲۰۲۲-۲۰۲۷ تعریف ارائه شده از صنایع دستی بدین شرح می‌باشد: صنایع دستی به محصولاتی اطلاق می‌شود که با استفاده از ابزارهای ساده و دست ساخته شده و فرهنگ و سنت‌های یک کشور یا منطقه را نشان می‌دهد. تولید این محصولات نیاز به هماهنگی چشم و دست و تمرکز شدید دارد. هر محصول دست‌ساز منحصر به فرد است. زیرا هر صنعتگر توان خود را به صورت متفاوتی اعمال می‌کند؛ به همین دلیل، هر محصول دارای ویژگی‌های متمایزی است. صنایع دستی نقش حیاتی در توسعه اقتصادی یک کشور ایفا می‌کند. زیرا رسانه‌ای برجسته برای درآمد ارزی بوده و با سرمایه‌اندک فرصت‌های شغلی بسیاری ایجاد می‌کند. به علاوه اقلام صنایع دستی به عنوان نمادی از کیفیت منحصر به فرد، استفاده از مواد طبیعی و عصاره‌ای از هنر و فرهنگ شناخته می‌شوند. علاوه

ظهور پیدانمی کنند؛ بلکه در میدان های عمل شاهد این تحولات می باشیم؛ مانند رویکردهای هنری و معنایی به صنایع دستی در دهه های اخیر در قالب صنایع زیبا^۷ و صنایع مفهومی^۸ و هم چنین، آغاز حضور برخی از صنایع دستی در بسترهای مجازی و شکل گیری نوع جدیدی از آن که نیازمند بحث و تبادل نظر در حوزه های نظری را دارد، چراکه «تغییر رویکردها مستلزم افق های میان مدت و بلندمدت است» (قاضی نوری و همکاران، ۱۳۹۷: ۳۳). در مجموع آن چه در این پژوهش سبب شده است تا صنایع دستی بر اساس نظریه کنشگر-شبکه توصیف گردد را می توان به شرح زیر بیان نمود.

در تعاریف مرسوم هستی و چیستی صنایع دستی مورد تاکید می باشد که در مجموع ویژگی های وجودی صنایع دستی را شکل می بخشد اما هدف از تبیین رویکرد شبکه ای تنها ارایه تعریف از ویژگی های صنایع دستی نمی باشد، بلکه به دنبال رویکردی است که بتوان در میدان عمل صنایع دستی با خوانش های مختلف از منظر های گوناگون، صنایع دستی را در بسترهای مختلف و در مواجهه با تحولات پیش رو حفظ، بهبود و ارتقا بخشید.

- تعاریف ارایه شده اغلب محصول -سازنده محور می باشند و بیش تر بر عاملیت هنرمند صنعت گر تاکید دارند. تحولات پرشتاب به ویژه تحولات فناورانه جنبه های مختلف طراحی، تولید و عرضه صنایع دستی را با عوامل تاثیرگذار جدیدی روبه رو ساخته، که این عوامل به دلیل آن که دارای تاثیر می باشند، نقش کنشگر را ایفا می کنند. کم توجهی به نقش تمامی کنشگران جدید تاثیرگذار و عاملیت آن ها، اتخاذ موثر و به هنگام، تدابیر تقابلی و یا تعاملی در برابر عوامل جدید را محدود می سازد.

- در بررسی سیر تحول صنایع دستی، ارتقای روش های ساخت و تولید محصولات همواره، رابطه عمیقی با ظهور ابزارها، فناوری ها و مصالح جدید داشته است؛ به گونه ای که نمی توان نقش آن ها را در این تحولات نادیده گرفت. در مقابل هویت نسبتاً پایدار صنایع دستی ابزارها و فناوری ها به صورت مستمر متحول می شوند و اغلب، بر جنبه های مختلف به ویژه روش های تولید صنایع دستی تاثیر می گذارند.

رویکرد شبکه ای به صنایع دستی با در نظر گرفتن نقش کنشگری تمامی کنشگران منجر به شناخت و پایش مستمر میزان و چگونگی تاثیرگذاری آن ها شده و در نتیجه، سبب هدایت کنش آن ها در راستای اهداف شبکه می شود.

- حضور و نقش پررنگ فناوری های جدید در زندگی روزمره و افزایش وابستگی تعاملات و فعالیت های انسانی به فناوری های جدید، لزوم پذیرش و توجه به نقش کنشگری عامل های غیر انسانی در تخصص های گوناگون به جهت برنامه ریزی های آینده نگرا نه در راستای مدیریت حوزه تخصصی را خاطر نشان می سازد. شکوفایی و پیشرفت صنایع فرهنگی اغلب مستلزم وجود مفاهیم و محتوای فرهنگی، منابع انسانی خلاق و هم چنین، ابزارهای فناورانه می باشد (Ghazinoory et al, 2021: 2).

- نظریه کنشگر شبکه با مطرح کردن این مساله که انسان و مصنوعات ذات هایی در مقابل هم نیستند، بلکه آن ها موجودات اجتماعی-فنی هستند که در پیوند با یک دیگر شبکه ای از کنشگران را می سازند که هدف مشترکی را شکل دهند و در نتیجه، این شبکه سازی در صنایع فرهنگی (صنایع دستی) منجر به هم افزایی می شود» (قاضی نوری و همکاران، ۱۳۹۷: ۳۸)؛ و راه را در تعامل با فناوری ها و بهره گیری از قابلیت های شبکه های دیگر هموار می سازد.

یافته های پژوهش

از آن جایی که پژوهش حاضر در پی تبیین تعریف رویکرد شبکه ای صنایع دستی از طریق به قضاوت خبرگان گذاشتن تعریف ارایه شده می باشد، روش دلفی که نوعی تحلیل پیمایشی بوده که نیازمند پرسش مکرر پاسخ دهندگان است (بل، ۱۳۹۸: ۴۶۳). اهداف تحقیقاتی پژوهش حاضر را تامین می کند. از سوی دیگر، به دلیل پراکندگی مکانی خبرگان، دلفی که دارای ساختار منعطفی است که بر تشخیص درست نیازهای پروژه تاکید دارد (حیدری، ۱۳۹۵: ۸۹)، با فرایندی ساختاریافته جمع بندی و دسته بندی دانش خبرگان را با بهره گیری از پرسش نامه امکان پذیر می سازد (خزایی و محمودزاده، ۱۳۹۳: ۲۱۱). توجیه انجام یک مطالعه

دلفی در این نظریه نهفته است که پاسخ‌های گروهی بر پاسخ‌های فردی برتری دارند؛ چرا که واجد شرایط ترین و خبره ترین افراد ممکن است ایده‌هایی داشته باشند که لزوماً بهترین نباشند، اما وقتی اجماع نظر در نظر گرفته می‌شود، ایده‌ها ارتقا می‌یابند. (1:2022, Sablatzky). با توجه به آن که هیچ مدرکی دال بر پایداری روش دلفی وجود ندارد، بدین معنی که، اگر اطلاعات یکسانی به دو یا چند پانل داده شود، نتایج کاملاً یکسانی به دست نمی‌آید؛ برای غلبه بر این معضل، معیارهای ارزیابی لینکلن و گویارا که رویکردی برای اعتبارسنجی یافته‌های پژوهش‌های کیفی می‌باشد و به منظور سنجش روایی و پایایی پژوهش‌های کیفی مورد پذیرش پژوهشگران می‌باشد- می‌توان جهت اطمینان از تولید تفاسیر معتبر از یافته‌ها استفاده کرد. بر این اساس، صحت علمی پژوهش‌های کیفی شامل، اعتبار و قابل قبول بودن^۱ قابلیت اجرا^۱ انسجام^{۱۱} و تاییدپذیری^{۱۲} می‌باشد (1013: Hasson, Keeney, Mckenna, 2023). استخراج داده‌ها از منابع معتبر و تسلط بر مورد مطالعه هم‌چنین، بهره‌گیری از خبرگان متخصص و متنوع (حوزه‌های پژوهشی و عملی و میان رشته‌ای صنایع دستی) اجرای دورهای متوالی تا رسیدن به اشباع و اشباع نظری و تایید خبرگان و در دسترس بودن داده‌های مربوط به دورهای متوالی پرسش‌نامه، دستیابی به معیارهای مذکور در پژوهش حاضر را میسر می‌سازد. با این وجود باید بیان کرد که اعتبار نتایج در نهایت، تحت تاثیر نرخ پاسخ خواهد بود. از این رو، در این پژوهش با استفاده از پانل خبرگان تخصصی و مشتاق به همکاری و ارتباط مستمر در دورهای متوالی می‌توان نرخ پاسخ و در نتیجه اعتبار نتایج را تضمین نمود. به منظور دریافت اطلاعات پایه‌ای در خصوص نظر خبرگان در مورد چابکی و هستی صنایع دستی در مواجهه با تغییر و تحولات عصر حاضر و لزوم ارایه رویکرد شبکه‌ای صنایع دستی دو پرسش‌نامه چندگزینه‌ای با نرم افزار پرس لاین در طیف پنج تایی لیکرت (میزان اهمیت خیلی کم، کم، متوسط، زیاد، خیلی زیاد) تنظیم گردید. در ادامه، دو پرسش تشریحی در خصوص معرفی کنشگران تاثیرگذار و نظر اصلاحی درباره تعریف رویکرد شبکه‌ای صنایع

دستی ارایه شده در پژوهش، در میان خبرگان به اشتراک گذاشته شد. بر اساس سه اصل کشف عقاید، تعیین مهم‌ترین مسایل و مدیریت نظرات در مرحله گردآوری و تحلیل داده‌ها (Hasson, Keen, 2000:1011). فرآیند پژوهش در سه دور انجام شده است. بر اساس نتایج حاصل از پرسش‌نامه نخست (جدول ۳)، عاملیت هنرمند صنعت‌گر در فرایند طراحی و تولید صنایع دستی از نظر خبرگان در رتبه نخست از اهمیت بسیار زیادی برخوردار بوده و در مرتبه بعدی تاثیر ابزارها و فناوری‌های نوین در فرایند طراحی و تولید صنایع دستی بیش‌ترین اجماع نظر را در گزینه خیلی زیاد نشان می‌دهد، هم‌چنین، به جهت تدوین استراتژی‌های آینده‌نگرانه بر اهمیت رویکرد شبکه‌ای در گزینه خیلی زیاد اجماع نظر دیده می‌شود. با توجه به آن که در تمامی موارد (به جز یک مورد) خبرگان بیش‌ترین اجماع نظر را در گزینه زیاد دارند، می‌توان دریافت نیاز به رویکردهای جدید به صنایع دستی با توجه به تحولات عصر حاضر امری لازم و ضروری می‌باشد.

با وجود عدم برتری هر یک از کنشگران در شبکه، به دلیل اهمیت میزان و چگونگی کنش کنشگران بر خروجی شبکه پرسش‌نامه دوم شامل ۱۲ پرسش در خصوص میزان اهمیت و عاملیت کنشگران در شبکه صنایع دستی می‌باشد که کنش آن‌ها منجر حصول نهایی یا همان جعبه سیاه می‌شود. نتایج حاصل از پرسش‌نامه دوم نشان از آن دارد سه کنشگر هنرمند صنعت‌گر، دانش و مهارت تخصصی و عوامل اقتصادی بالاترین میزان عاملیت را از نظر خبرگان دارا می‌باشند. در انتهای پرسش‌نامه دوم از شرکت‌کنندگان در خصوص کنشگران دیگری که در شبکه صنایع دستی دارای کنش می‌باشند و در پرسش‌نامه به آن اشاره نشده است پرسش شد؛ و خبرگان رسانه‌ها، قوانین و قواعد حاکم بر طراحی، ارتباطات بین فرهنگی و تبادلات تجاری بین فرهنگی را ذکر نمودند (شکل ۱).

جلوه هنر، سال ۱۶، شماره ۱، بهار ۱۴۰۳، شماره پیاپی: ۴۲

چرخه جی شبکه گردشگران

- تأثیرات: ۵۸.۳٪ زیاد
- مواصلات محلی: ۴۱.۶٪ زیاد
- تجهیزات: ۲۵٪ خیلی زیاد
- تقسیم بندی: ۵۸.۳٪ خیلی زیاد
- نوع و مدت: ۵۰٪ خیلی زیاد
- تأثیرات: ۳۳.۳٪ زیاد
- تأثیرات: ۵۰٪ زیاد
- تأثیرات: ۵۸.۳٪ خیلی زیاد
- تأثیرات: ۵۰٪ زیاد
- تأثیرات: ۴۱.۶٪ زیاد
- تأثیرات: ۵۸.۳٪ خیلی زیاد
- تأثیرات: ۴۱.۶٪ زیاد

76

با توجه به نتایج حاصل از پرسش‌نامه دوم این پرسش مطرح می‌شود، چنان‌چه صنایع دستی را محصول کنش عوامل انسانی و غیر-انسانی در درون شبکه بدانیم نقش هنرمند-صنعت‌گر، که همواره بر اندیشه و دخالت دست او به عنوان اصالت صنایع دستی تاکید شده است، چگونه توجیه می‌گردد. در این جا لازم است مساله عاملیت در نظریه کنشگر-شبکه مورد توجه قرار گیرد. هر شبکه با کنشگری در نقش واردکننده و مترجم آغاز می‌شود، کنشگر واردکننده می‌بایست علایق و اهداف سایر کنشگران را به هدف خود ترجمه کند و دیگر کنشگران را در راستای هدف خود متحد سازد و پیوند را آغاز نماید در این فرآیند واردکننده برای گسترش و تقویت شبکه نیاز به متحدان بیش‌تر و قوی‌تر دارد تا محصول نهایی با گذر از آزمون‌های استحکام تبدیل به جعبه سیاه شود. در شبکه صنایع دستی واردکننده و آغازگر شبکه می‌تواند هنرمند-صنعتگر، سرمایه‌گذار، نهادهای فعال در حوزه صنایع دستی و... باشند که هر یک بر اساس اهداف خود شبکه را گسترش می‌دهند. طبق نظریه کنشگر-شبکه کنشگر واردکننده خود نیز با پیوند با کنشگران دیگر تغییر می‌کند و عضوی از شبکه می‌شود. هنرمند-صنعتگر در لحظه اندیشه به ساخت یک محصول آغازگر شبکه ای است که بدون مذاکره با دیگر کنشگران قادر به رسیدن به محصول نهایی نیست. برای مثال، او بدون ابزار، مواد اولیه و زیرساخت‌های کارگاهی قادر به تبدیل اندیشه به اثر نخواهد بود. هم‌چنان‌که ابزارها نیز بدون کنش هنرمند-صنعتگر قادر به کنش در درون شبکه نیستند. پس لازم است در قدم نخست آشنایی‌های مان را به تعلیق درآورده و به آغاز مسیر بازگشته و کنشگران را فهرست نموده و کنش‌های آنان را در راستای اهداف پژوهش مورد تحلیل قرار داد، تا مشخص شود در شبکه صنایع دستی چه ترجمه‌هایی و چه مذاکراتی و بین چه کسانی صورت می‌گیرد.

مساله دیگری که لازم به ذکر است، مفهوم ساختن^{۱۳} در نظریه کنشگر-شبکه می‌باشد. لاتور به صراحت بیان می‌کند: ساختن به هیچ وجه تنها ترکیب مجدد عناصر موجود نیست (Latour, ۱۹۹۹: ۱۲۴). او ساختن را به معنای خلق از عدم، باز ترکیب عناصر

از پیش موجود و شکل دهی به عناصر بی شکل نمی‌داند. در اندیشه لاتور ساختن، تبدیل^{۱۴} پیوند و پیوندها است. او تبدیل را با مفهوم مفصل بندی^{۱۵} و اتصال میان گذارده‌ها (کنشگران) توضیح می‌دهد. هنرمند-صنعتگر با استفاده از ابزار و فناوری مفصل و بازوی جدید و قوی‌تری را ایجاد می‌کند و در نتیجه، شبکه و پیوند خود را از طریق به کارگیری ترندهای علاقمندسازی (Callon, 1986: 211)، تقویت نموده و با اضافه کردن مفصل‌های جدید در راستای اهداف خود شبکه را گسترش می‌دهد و منجر به جعبه سیاهی می‌شود که به راحتی قابل انکار نمی‌باشد. برای مثال، تا دو دهه پیش محصولات صنایع دستی نوآورانه -که اغلب از سوی دانش‌آموختگان دانشگاهی تولید می‌شد- از سوی بازار سنتی صنایع دستی مورد پذیرش نبود با ظهور آرت شاپ‌ها و پیوند یافتن هنرمند-صنعتگران با این مراکز امروزه شبکه قدرتمندی شکل گرفته است که این نوع آثار محصول نهایی (جعبه سیاه) این شبکه بوده و از سوی جامعه نیز مورد پذیرش و اقبال واقع شده است. یک شبکه و کنشگران آن بدون پشت سر گذاشتن آزمون‌های استحکام نمی‌توانند مدعی استحکام پیوندها شوند. لاتور در کتاب علم در کنش سه استراتژی شناسایی و حذف حلقه ضعیف، پیوند با متحدان نامنتظره و تدبیر را برای اطمینان از استحکام و برطرف کردن ضعف یک پیوند پیشنهاد می‌دهد (شریف زاده، ۱۳۹۷: ۱۲۳). در ادامه فرایند پژوهش، در بخش پرسش تشریحی پرسش‌نامه تعریف اولیه رویکرد شبکه ای صنایع دستی بر اساس نظریه کنشگر شبکه به شرح زیر در اختیار خبرگان قرار گرفت و از شرکت کنندگان درخواست گردید نظر اصلاحی خود را اعلام فرمایند. از ۱۲ خبره ۷ نفر تعریف اولیه شده را تایید نمودند و ۵ خبره نظر اصلاحی خود را اعلام نمودند. صنایع دستی محصول نهایی (جعبه سیاه) شبکه ای از کنشگران ناهمجنس انسانی و غیر انسانی می‌باشد که هنرمند-صنعتگر به عنوان کنشگر واردکننده، از طریق پیوند و مذاکره با کنشگران دیگر (انسانی و غیر انسانی) هدف خود یعنی طراحی و ساخت محصولی هنری کاربردی را تحقق می‌بخشد. در این پیوند میزان تاثیر و چگونگی عاملیت سه کنشگر اصلی

هنرمند-صنعت گر، فرهنگ بومی و ابزار و فناوری در پذیرش محصول نهایی به عنوان صنایع دستی نقش به سزایی دارند. بدین معنی که محصول نهایی با عاملیت دست و اندیشه هنرمند در مقام آغازگر اصلی شبکه در پیوند با فرهنگ بومی و جهان فرهنگی زیسته هنرمند و به یاری ابزارها و فناوری ها به گونه ای که در امتداد دست و اندیشه هنرمند-صنعت گر به کار گرفته شود، صنایع دستی تلقی می شود. با در نظر گرفتن نظر خبرگان و استخراج مفاهیم کلیدی، موارد زیر در اصلاح تعریف اولیه منظور شد؛ تا ابهامات تعریف برطرف گردد. از آن جایی که برخی موارد در تعریف مستتر بود، تا آن جاکه تعریف را طولانی و پیچیده نسازد در باز تعریف در نظر گرفته شد؛ توجه به انواع صنایع دستی از منظر بستر تولید (روستایی/شهری)؛ -توجه به وزن متفاوت کنشگران در شبکه -توجه به ویژگی ها و شروط کنش کنشگران شبکه که منحصر ا معرف صنایع دستی باشد -در نظر گرفتن هم پوشانی ویژگی های رویکرد شبکه ای با فرایندهای طراحی معاصر -توجه به هم سوسازی صنایع دستی با روح زمانه -نیاز به روزرسانی برخی مفاهیم در حوزه صنایع دستی -توجه به فرهنگ سازنده و فرهنگ مخاطب -نیاز به تعریف مجزا بر ساختار جدید ارایه محصولات در بسترهای مجازی -جداسازی فرایند طراحی و ساخت، در دور سوم نتایج حاصل از تحلیل پرسش نامه ها، و باز تعریف اصلاحی برای ارایه نظر برای خبرگان ارسال گردید و بر اساس نظرات این دور موارد زیر استخراج گردید:

- یکی از اهداف رویکرد شبکه ای کاربرد آن در مطالعات آینده نگرانه می باشد؛ لذا، محدود کردن انواع صنایع دستی با توجه به دسته بندی های مرسوم کارکرد رویکرد را در آینده محدود می سازد.

- در فرایند طراحی و تولید علاوه بر دست و اندیشه احساس هنرمند-صنعت گر نیز دخیل است.

- اشاره به خلق ارزش های احساسی، فرهنگی و کاربردی به منظور تقویت تعریف ارایه شده پیشنهاد گردید.

در انتها، بر اساس مجموع دورها و اجماع و اشباع نظر خبرگان تعریف نهایی رویکرد شبکه ای صنایع دستی ارایه می گردد:

صنایع دستی، محصول نهایی شبکه ای از کنشگران انسانی و غیر انسانی است که هنرمند-صنعت گر به عنوان کنشگر واردکننده، از طریق پیوند و مذاکره با کنشگران دیگر، هدف خود یعنی طراحی و ساخت اثری (هنری کاربردی، تزئینی و یا مفهومی) را به منظور خلق ارزش های احساسی، فرهنگی و کاربردی تحقق می بخشد. در این پیوند میزان تاثیر و چگونگی عاملیت سه کنشگر اصلی هنرمند-صنعت گر، فرهنگ بومی و ابزار و فناوری در پذیرش محصول نهایی به عنوان صنایع دستی نقش مهمی دارند. بدین معنی که محصول نهایی با عاملیت دست، اندیشه و احساس هنرمند در مقام آغازگر اصلی شبکه در پیوند با فرهنگ بومی مبدای اثر و به یاری ابزارها و فناوری ها به گونه ای که در امتداد دست، اندیشه و احساس هنرمند صنعت گر به کار گرفته شود، صنایع دستی تلقی می شود.

نتیجه گیری و پیشنهادات

در پژوهش حاضر با هدف ارایه تعریف رویکرد شبکه ای صنایع دستی از اجماع نظر خبرگان به روش دلفی استفاده گردید و پیش از نظرخواهی از خبرگان در خصوص تعریف ارایه شده از سوی پژوهشگران، دو پرسش نامه در طیف پنج تایی لیکرت به منظور رسیدن به یک دید مشترک برای قضاوت از طریق معیارهای مشابه تنظیم گردید. نتایج حاصل از پرسش نامه اول، مشخص ساخت که، از نظر خبرگان عاملیت هنرمند صنعت گر و تاثیر ابزارها و فناوری های نوین بر روش های طراحی و تولید بیشترین میزان اهمیت در خصوص چيستی و هستی صنایع دستی در بستر تحولات عصر حاضر را دارد و هم چنین، به منظور اطمینان از کارآمدی رویکرد شبکه ای در اخذ استراتژی های آینده نگرانه میزان اهمیت آن از خبرگان نظرخواهی شد و ۵۰٪ از خبرگان در گزینه بسیار زیاد اجماع نظر داشتند. در پرسش نامه دوم، سه کنشگر هنرمند-صنعت گر، دانش و مهارت تخصصی و عوامل اقتصادی

بیشترین اجماع نظر را در گزینه بسیار زیاد به خود اختصاص دادند. در انتها، تعریف رویکرد شبکه‌ای صنایع دستی در سه دور به قضاوت خبرگان گذاشته شد و پس از اجماع و اشباع نظر تعریف نهایی ارائه شد. آنچه در پژوهش حاضر در رسیدن به تعریف رویکرد شبکه‌ای صنایع دستی از اهمیت زیادی برخوردار است، دلایل و چگونگی به‌کارگیری این رویکرد در حوزه‌های مختلف صنایع دستی است که پاسخ به پرسش پژوهش نیز می‌باشد. ویژگی‌های کاربردی این نظریه در شبکه‌سازی، برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری مورد استفاده قرار می‌گیرد. از این رو، در ادامه مدل اجرای رویکرد شبکه‌ای (شکل ۲) و نکات تکمیلی ارائه می‌شود: هدف از ارائه تعریف رویکرد شبکه‌ای صنایع دستی ارائه تعریف جدید یار و اصلاح تعاریف مرسوم نیست، بلکه هدف به تعلیق درآوردن آشنایان از ساختارهای مفروض و آغاز کردن از کنشگران و کنش آن‌ها و شکل بخشی به شبکه در راستای اهدافی که جنبه‌های مختلف

صنایع دستی را حفظ، توسعه و بهبود ببخشد. -از ویژگی‌های مهم رویکرد شبکه‌ای، کاربرد آن در شکل بخشی به شبکه‌های گوناگون صنایع دستی می‌باشد. که با توجه به اهداف خود، توسط آغازگر شبکه با رویکردهای مختلف سنتی، مدرن و... و در اشکال گوناگون روستایی، عشایری، شهری (کارگاهی/آتلیه‌ای) و هم‌چنین، بسترهای خلق صنایع دستی که در آینده امکان ظهور آن‌ها وجود دارد، می‌توانند شکل بگیرند. -از پیامدهای مثبت رویکرد شبکه‌ای، اتحاد کنشگران تخصصی با تمرکز بر یک حوزه خاص از صنایع دستی از طریق عضوگیری سایر کنشگران و انجام مذاکرات و پیروزی در آزمون‌های استحکام می‌باشد که نتایج حاصل از آن می‌تواند بر شبکه‌های دیگر تاثیرگذار باشد. چرا که به عنوان مثال، فعالان صنایع دستی اغلب، قادر به فعالیت در حوزه‌های طراحی، تولید، عرضه و پژوهش به طور هم‌زمان نیستند و تشکیل شبکه‌های تخصصی و به اشتراک گذاری خروجی شبکه‌ها می‌تواند شبکه‌های



شکل ۲-مدل رویکرد شبکه‌ای صنایع دستی (نگارندگان).

بزرگ تر و قدرتمندتری را بسازد که در نهایت، منجر به حفظ، ارتقا و نوآوری در صنایع دستی شود. - رویکرد شبکه ای به صنایع دستی با فراهم آوردن شرایطی که بتوان هم زمان کنش کنشگران انسانی و غیر انسانی را در شبکه دخیل دانست، سبب می شود تا استراتژی تقابلی تنهاگزینیه پیش رو در برابر تحولات فناورانه نباشد؛ بلکه با ورود هر پدیده جدید تاثیرگذار بر صنایع دستی، با ایجاد مذاکرات و خلق پیوند، کنش عامل جدید در راستای اهداف شبکه جهت داده شود. از این رو، تحولات نوین به ویژه فناوری های نوظهور عاملی تهدیدی محسوب نشده و می توان با برقراری پیوندهای تعاملی از مزایا و فرصت های آن بهره برد و در برابر تهدیدهای احتمالی تدابیری اتخاذ نمود. این امر مستلزم تشکیل شبکه های پژوهشی قدرتمندی در جهت شناخت و پایش تحولات و فناوری های تاثیرگذار بر صنایع دستی و در اختیار قرار دادن داده های حاصل از پژوهش ها به صورت مستمر به شبکه های گوناگون طراحی، تولید و عرضه صنایع دستی می باشد.

پی نوشت

1. Actor-Network Theory .ANT
2. Sociotechnical
3. Actant
4. Network
5. Socio-technical
6. Black box
7. Fine craft
8. Conceptual craft
9. Credibility
10. Applicability
11. Consistency
12. Confirmability
13. Construction
14. Transformation
15. Articulation

منابع

- انواری، محمدرضا، کرم اللهی، نعمت ا... (۱۳۹۷). بررسی انتقادی مبانی معرفتی نظریه کنشگر-شبکه برونو لاتور. *فصلنامه معرفت فرهنگی اجتماعی*، ۹(۳)، ۵۳-۵۴.
- بل، وندل (۱۳۹۸). *مبانی آینده پژوهی*؛ علم انسانی برای عصر جدید، ترجمه مصطفی تقوی و محسن محقق، تهران: موسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی، مرکز آینده پژوهی علوم و فناوری دفاعی.
- بنی طالبی دهکردی، بهاره؛ رهنمای رودپشتی، فریدون و نیکومرام، هاشم (۱۳۹۴). تبیین نظریه کنشگر شبکه (TNA) در حسابداری از منظر دانش، *دانش حسابداری و حسابررسی مدیریت*، دوره ۴، شماره ۶۱، ۹۱۱-۹۳۱.
- بی نام (۱۳۶۶). *سرفصل دروس دوره کارشناسی صنایع دستی*، وزارت فرهنگ و آموزش عالی شورای عالی برنامه ریزی.
- تقدس نژاد، زهرا و شفیعا، سعید (۱۴۰۲). *گزارش راهبردی در بررسی وضعیت صنایع دستی و آسیب شناسی آن*، تهران: مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی. حیدری امیر هوشنگ (۱۳۹۵). *آینده پژوهی و روش دلفی*. ترویج علم (۱۱) ۵۷-۳۹.
- خزایی، سعید و محمودزاده، امیر (۱۳۹۳). *آینده پژوهی*، شاهین شهر: علم آفرین؛ اصفهان: پارس ضیاء.
- رادکلیفت، مایکل (۱۳۷۴). *توسعه پایدار*، ترجمه حسن نیر، تهران: وزارت کشاورزی، سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی.
- روشندل اربطانی، طاهر؛ لبافی، سمیه و شه میرزادی، محسن (۱۴۰۱). شناسایی شبکه کنشگران و تحلیل روابط سیاستگذاری در صنعت موسیقی، *فصلنامه علمی رسانه*، ۲۳(۲)، ۷۰۱-۷۰۳. doi: ۱۰.۳۴۸۶۳۱۰۱۲۰۲.psmb
- شریف زاده، رحمان (۱۳۹۷). *مذاکره با اشیا برونو لاتور و نظریه کنشگر-شبکه*، تهران: نی.
- شریف زاده، رحمان (۱۳۹۷). *مذاکره با اشیا*، برونو لاتور و نظریه کنشگر-شبکه، تهران: نی.
- شریف زاده، رحمان و مقدم حیدری، غلامحسین (۱۳۹۴). خروج از دوگانگی تکنولوژی خودمختار و تکنولوژی به مثابه وسیله صرف بر اساس دیدگاه برونو لاتور، *فلسفه علم*، ۵(۹) ۵۱-۲۹.
- لاکمن، سوزان (۱۳۹۸). *صنایع دستی و اقتصاد خلاق*، ترجمه شهاب طلایی شکری، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- ملکی فر، سیاوش؛ قاضی نوری، سید سپهر؛ ملکفر، سیاوش؛ قانع راد، محمدمین و موسوی، آرش (۱۳۹۷). شناسایی و تحلیل رویکردهای موجود و مطلوب در صنایع فرهنگی کشور بر اساس دیدگاه های ذی نفعان، *مطالعات راهبردی سیاست گذاری عمومی*، ۸(۶۲) ۷۱-۹۳.
- مهدی زاده محمدرضا، توکل محمد. *مطالعات علم و فناوری*، فصلنامه برنامه ریزی و بودجه، ۶(۴): ۵-۴۰.

- University Press.
- _____. (2005). *Reassembling Social: An Introduction to Actor-Network Theory*, Oxford: Oxford University Press.
- _____. (2013). *An Inquiry into Modes of Existence: An Anthropology of the Moderns*, Cambridge, Massachusetts: Harvard University Press.
- Li, W.; Li, Z.; Kou, H. (2022). Design for Poverty Alleviation and Craft Revitalization in Rural China from an Actor-Network Perspective: The Case of Bamboo-Weaving in Shengzhou, *Heritage Science* 10(2): 2-16.
- Liaogi, Z.; Huanyu, W.; Yunyan, L.; Zhou, Y. (2019). Multi-Functional Landscape Actor-Network Construction from The Perspective of Rural Tourism Experiences, *Journal of Landscape Research*, 11(1):79-86.
- Liu, F., Hwang, S. (2021). Application of Actor-Network Theory to Explore the Transmission and Innovation of Local Cultural Industry of Rush-Weaving, 3rd International Conference on Knowledge Innovation on Design and Culture, Kaohsiung, Taiwan: 65-69.
- Nimmo, R. (2011). Actor-Network Theory and Methodology Social Research in a More-Than Human World, *Methodological Innovation*, 6(3): 108-119
- Malekifar, S.; Ghazinoory, S.; Ghaneirad, M. A.; Mousavi, A. (2018). Identification and Analysis of Current and Preferred Approaches National Cultural Industries Based on Stakeholders view. *Strategic Studies of public policy*, 8(26), 17-39, (Text in Persian).
- Mehdiazadeh M, Tavakol M. (2007). Science and Technology Studies: A Review on Sociological Backgrounds of Technology. *JPBUD*. 12(4)85-124. URL: <http://jpbud.ir/article-1-32-fa.htm>, (Text in Persian).
- Redclift, M. R. (1995). *Sustainable Development*, Tehran: Ministry of Agriculture-Jahad Agricultural Research, Education and Extension Organization, (Text in Persian).
- Rivera, G.; Andrew, C. (2016). An Actor-Network Theory perspective to study the non-adoption of a Collaborative Technology Intended to Support Online Community Participation. *Academia Revista Latino Americana de Administration*, 29 (3): 347-365.).
- Roshandel A.; Labbafi, S.; Shahmirzadi, M. (2021). The Identification of the Network of Policy Actors and the Analysis of Policymaking Relationships in the Music Industry. *Rasaneh*, 32(2), 107-130. doi: 10.22034/bmsp.2021.136843, (Text in Persian).
- Sablatzky, T. (2022). Methods Moment: The Delphi Method, *Hypothesis*, vol.34, No.1, 1-6n.
- Seddighi k., S.; Jamal, T. (2022). Interrelation of Ancestral Textile Handicraft Weaving and Tangible Vernacular Karkhanehs (Workspaces) in the Historic Destination of Yazd, Iran, *Sustainability*, 14(10), no article 6363.
- Sharifzadeh, R. (2017). Negotiation with Objects: Bruno Latour and Actor-Network Theory, Tehran: Ney Publication, (Text in Persian).
- هاشمیان، سیدمحمدحسین و انواری، محمدرضا (۱۳۹۷). دلالت‌های نظریه کنشگر-شبکه برونو لاتور در سیاست گذاری فرهنگی تعامل فناوری و انسان در سیاست گذاری. *دین و سیاست فرهنگی*، ۵(۱): ۷۳-۴۶.
- یاوری، حسین و نورماه، فروهر (۱۳۸۴). *نگرشی بر تحولات صنایع دستی در جهان*، تهران: سوره مهر.

References

- Anvari, M.; Karam Allahi, N. (2024) A Critical Review of the Epistemological Foundations of Bruno Latour's Actor-Network Theory. *Ma rifat-e Farhangi Ejtemai*, 9(3), 35-45.
- Banitalebi Dehkordi, B.; Rahnamay Roodposhti, F.; Nikoomaram, H.; Talebnia, G. (2015). Explaining Actor Network Theory in Accounting from the perspective of knowledge. *Journal of Management Accounting and Auditing Knowledge*, 16(4), 119-130.
- Bell, W. (2019). *Foundations of Futures Studies: Human Science for a New Era*, (Taghavi, Mostafa. and Mohaghegh, Mohsen. trans.) Tehran: Institute of Defense Industries Educational and Research, Defense Science and Technology Future Research Center, (Text in Persian).
- Callon, Michel (1986). Some Elements of a Sociology of Translation; Domestication of the Scallops and the Fishermen of St Brieue Bay, *The Sociological Review*, 32(1):196-229.
- Conti, Eugenio., Farsari, Loanna (2022). Disconnection in Nature-Based Tourism Experiences: An Actor-Network Theory Approach, *Annals of Leisure Research*, 25(1): 2-18.
- Ghazinoori, S.; Malekifar. S.; Nasri, Sh.; Kousari, S. (2021). Visioning for Cultural Industries: CLA Inspired Scenario Method, *Futures*, 131, No 102770.
- Hashemian, Seyyed M.; Anvar, M. (2017). The Implications of Bruno Latour's Actor-Network Theory in Cultural Policy-Making, Technology and Human Interaction in Policy-Making, *Religion and Cultural Policy*, 5(1), 37-64, (Text in Persian).
- Hasson, F.; Keeney, S.; McKenna, H. (2000). Research Guide Lines for Delphi Survey Technique, *Advanced Nursing*, 32(4):1008-15
- Heidari, A. H. (2016). Futures Studies and Delphi Methods. *Popularization of Science*, 7(1), 75-93, (Text in Persian)
- Khazaei, S.; Mahmoudzadeh, A. (2014). Future Research, Shahinshahr: Elm Afarin; Isfahan: Pars Ziaa, (Text in Persian).
- Kumar, V.; Tissenbaum, M. (2022). Supporting Collaborative Classroom Networks Through Technology: An Actor Network Theory Approach to Understanding Social Behaviors and Design, *British Journal of Educational Technology*, 53: 1549-1570.
- Luckman, S. (2018), *Craft and the Creative Economy*, (Shahab Talaei Shokri, trans.) Tehran: Research Center for Culture, Art and Communication, Ministry of Culture and Guidance, (Text in Persian).
- Latour, B. (1993). *The Pasteurization of France*, Cambridge Mass: Harvard university Press.
- _____. (1999). *Pandora's Hope*, Essay on the Reality of Science Studies, Cambridge Mass: Harvard

- _____, Moghadam Heidari, G. (2015). Leaving the Dichotomy of Autonomous Technology and Technology as an Intermediary Based on Latour's Point of View. *Philosophy of Science*, 5(9), 29-51, (Text in Persian).
- Taghaddos Najad, Z., Shafia, S. (2023). A Strategic Report on the Investigation of the State of Handicrafts and its Pathology, Tehran: Islamic Parliament Research Center of The Islamic Republic Of IRAN, URL: file:///C:/Users/pc/Downloads/19248.pdf, (Text in Persian).
- Tao, F. (2022). A New Harmonization of Art and Technology Philosophic Interpretation of Artificial Intelligence Art, *Critical Arts*, 36(1-2): 110-125.
- Yavari, H.; Foruhar N. (2004). *A Review of World Handicraft Developments*, Tehran: Sureh Mehr.



Presenting a Network-Based Definition of Handicraft Industries

Nahid Rahmanpoor²

Mehdi Keshavarz Afshar³

Sepehr Ghazinoory⁴

Received: 2023-07-05

Accepted: 2023-12-16

Abstract

Uncertainties of the future and fundamental changes in communication methods and business environments as a result of technological developments of the present era have posed new challenges for the handicraft industry in terms of design, production, and distribution. Traditional definitions and approaches in the handicraft industry often are focused on the essence and nature of the craft. However, with the increasing emphasis on innovation, economic sustainability, and entrepreneurial aspects in areas such as the creative economy, creative industries, and sustainable development in recent decades, it is still necessary to pay attention to approaches that are aligned with the developments and spirit of the times. The rapid emergence of technological developments and their effects have questioned the human agency in the viewpoints believing in subject/object duality, and have caused the emergence of theories in the sociology of science and technology studies. Some consider man to be free and consider technology as a tool in his hand and some others consider technology to be intrinsically autonomous, i.e. affects social, cultural, and political equations. In the meantime, theories formed in the contemporary world deny the characteristic of autonomy of humans and technology and the action or the final product is the result of connecting human and non-human fac-

1. DOI: 10.22051/JJH.2023.44307.2007

The Present Paper is Extracted from the PhD Thesis by Nahid Rahmanpoor, Entitled: "Futures Reserch in World-class Handicrafts DDesign and Production Management in Industry 4.0 (Cross-Impact Analysis)"

2- Nahid Rahmanpoor, PhD Student of Art Studies & Art History, Faculty of Art and Architecture, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran

Email: n.rahmanpour@modares.ac.ir

3- Mehdi Keshavarz Afshar, Assistant Professor, Department of Art Studies & Art History, Faculty of Art and Architecture, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran, Corresponding Author.

Email: m.afshar@modares.ac.ir

Sepehr Ghazinoory, Professor, Department of IT Management, Faculty of Management and Economics, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran.

Email: ghazinoory@modares.ac.ir

tors in a network. the most important representative of this approach is the actor-network theory The present article tries to suspend our familiarity with the assumed structures based on the actor-network theory and then starts with the activists and their actions, further, by examining the relationship between the actors and the negotiations between them, the paper concludes how human and non-humans actors create a network together, and finally, the final product, which is called a black box in actor-network theory, is made. Therefore, the present research is looking for an answer to this question: How can the network approach of handicrafts be explained based on the actor-network theory, and what solutions are suitable for its application in the practical and research fields of handicrafts? In the research process, firstly, in the background section, research conducted in the field of handicrafts has been explored based on this theory. Then the actor-network theory is introduced based on Berno Latour's theory and its elements and further, based on this theory, the creation of the final handicraft product in a network consisting of human and non-human actors and how the human agency (artist-artisan) and the links and negotiations within the network have been examined to explain the network approach of handicrafts. This theory seeks to achieve a practical approach to develop strategies for leveraging advantages and addressing threats posed by technological advancement toward the preservation, improvement, and promotion of the handicraft industry.

In the third part, the classic Delphi research method is presented to reach the consensus of the experts in defining the network approach. In the fourth part of the findings of the research, according to the subject, it means reaching a definition of the network approach of handicrafts, the need of which was felt following the developments of the present era, especially the technological developments. thus 12 experts were selected with the conditions of expertise in the field of handicrafts and knowledge of technological developments affecting handicrafts, as well as the desire and enthusiasm for cooperation and continuity in it. Before asking the experts for their opinion regarding the definition provided by the researchers, two questionnaires were prepared on the five-point Likert scale to reach a common point of view for judging through similar criteria. the results of the first questionnaire show that the agency of the artisan artist and the impact of new tools and technologies in the process of designing and producing handicrafts have the highest consensus in the very high option. Also, to develop forward-looking strategies, there is a lot of consensus on the importance of a network approach in this option. According to the results of the second questionnaire, three actors, artisans, specialized knowledge and skills, and economic factors have the highest level of agency according to the experts. in the end, the definition of the handicraft network approach presented by the researchers was judged by experts in three rounds. and after the consensus and saturation of experts' opinions, the definition of handicraft network was presented. In the fifth part, discussion and conclusion, the practical suggestions of the network approach and its conceptual model are presented.

What is of great importance in the present research in achieving the definition of handicrafts network approach is the reasons and how to apply this approach in different fields of handicrafts which is also the answer to the research question and shows that the practical features of this theory can be used in networking, planning and policy-making. the network approach to handicrafts by providing conditions that can simultaneously involve the actions of human and non-human actors in the network causes the confrontational strategy is not the only option against technological developments. rather, with the arrival of any new phenomenon affecting handicrafts, by creating negotiations and creating links, the action of the new agent should be directed in line with the goals of the network.

Therefore, new developments, especially emerging technologies, are not considered a threat and it is possible to take advantage of its advantages and opportunities by establishing interactive links and taking measures against possible threats. this requires the

formation of powerful research networks to recognize and monitor the developments and technologies affecting handicrafts and to provide the data obtained from the research continuously to various networks of designing, producing, and supplying handicrafts.

Keywords: Network-Actor Theory, Bruno Latour, Network Approach to Handicraft Industries, Definitions of Handicraft Industries, Handicraft Actors.

